

گزارش

سروش غفاری

روزنامه نگار

دی‌ماه امسال بود که خبری مثل بمب در رسانه‌ها و فضای مجازی ترکید. ستاد دیه اعلام کرد که محسن چاوشی، خواننده محبوب، با راه‌اندازی پویش و با استفاده از محبوبیت خود در میان مردم، توانسته ۶۰۰ زندانی را آزاد کند. اسدالله جولاپی، رئیس هیئت‌انمائی ستاد دیه کشور، در این‌باره در یک نشست خبری توضیح داد که این پویش از سوی محسن چاوشی راه افتاده و با جمع شدن هفت میلیارد تومان پول کمک، ۶۰۰ زندانی آزاد شدند و نزد خانواده برگشتند.

سلبریتی‌های دنیای مجازی گرچه این روزها سرشان به تبلیغ شامپو و مژون و سالن زیبایی گرم است، اما برخی از آن‌ها هنوز می‌دانند که چقدر می‌توانند در بسیج نیروهای مردمی و آگاه‌سازی مردم مؤثر باشند. ستاد دیه ایران از اواخر دهه ۶۰ راه‌اندازی شده و روی آزادی زندانیان جرائم غیرعمد تمرکز دارد. آن‌ها روی پرونده زندانیان جرائم عمدی کار نمی‌کنند.

۱۶۰۰ البته عدد بسیار بزرگی است، اما برای آنکه متوجه شویم تداوم حرکت‌های مردمی چقدر ضروری است باید نگاهی به ارقام و آمار داشته باشیم. همین حالا، صرف‌نظر از جمعیت بیش از ۲۰۰ هزار نفری زندانیان جرائم عمدی، تعداد ۱۵ هزار و ۶۱ نفر زندانی جرائم غیرعمد در کشور داریم. آمار زندانیان جرائم غیرعمد مهریه ۱۹۱۰ نفر، بدهکار دیه ۸۱ نفر، محکومیت‌های مالی ۱۲ هزار و ۶۱۳ نفر و بدهکاران نفقه ۴۵۷ نفر است.

همچنین، آمار جمعیت زندانیان در ایران و جهان نشان می‌دهد طبق آخرین به‌روزرسانی جهانی که در سال ۲۰۱۸ انجام شده، جمعیت زندانیان ایران برابر با ۲۸۴ نفر در هر صد هزار نفر بوده است. این آمار در مقایسه با تعداد زندانیان در جهان، آمار متوسطی است. بنابراین گرچه تعداد زندانیان در کشور ما زیاد نیست، اما کم هم نیست و رسیدگی به وضعیت آن‌ها حیاتی به نظر می‌رسد.

ملاقاتی‌های خسته و بی‌نား

گرفتاری یک نفر در زندان فقط گرفتاری خودش نیست، بلکه حداقل یک خانواده متأثر از آن هستند. بسیاری از محکومان زندانی، خانواده‌هایی بسیار آسیب‌پذیر دارند و این خانواده‌ها آن‌قدر توانمند نیستند که تا آزادی عضو مهم خانواده تاب بیاورند. بنابراین آن طرف میله‌ها هم اوضاع ناپسامان است. کسانی که مشکل تأمین معاش دارند،

گزارش

مراسم گلریزان ریشه در تاریخ و فرهنگ ایران زمین دارد. این مراسم که امروز نام

آن با آزادی زندانیان گره خورده، در اصل برای کمک به همه نیازمندان بوده است؛ کمکی فروتنانه، مخفیانه و با حفظ شأن و شخصیت نیازمندان. ریشه این رسم مرام رادمردی در ایران باستان است و اینشخور مذهبی آن هم به ارزش‌هایی مثل انفاق برمی‌گردد که مظهر انسانی آن امیرالمؤمنین علی (ع) است.

می‌گویند قدمت این رسم به دوران پس از حمله مغول می‌رسد. در سردابه‌های باشتین، عیاران و جوانمردان، شالی سرخ‌رنگ می‌گستراندند و هرکس بنا به زور بازو یا غنای جیبش قدم جلوی می گذاشت تا گره از کار نیازمندی باز شود. معمولاً این نیازمندان از قبل شناسایی شده بودند و مسافران در راه مانده، پتیمان بی‌ضاعت، کاسان ورشکسته و... جزو آن‌ها بودند. هرکس به وسع خود کمک می‌کرد. این آیین در طول زمان تطور یافته اما نکته مشترک در میان اعصار و قرون گذشته، حفظ اصل ناشناسی خیر بوده است.

نامش گلریزان است، درست است که ریشه آن را با این اسم از چند قرن پیش شناسایی کرده‌اند اما در کتب قدیمی‌تر تاریخی مانند مینوی خرد، بارها از ارزش‌های جوانمردی یاد شده و حتی در شاهنامه نیز ابیاتی به فراخور قصه به این موضوع اختصاص داده شده است. پهلوان ایرانی در واقع یک رادمرد است. کسی که مردم‌دار و غمش غم مردم است. به همین دلیل بخشنده است اما بخشندگی او، در بستر ناشناس ماندن پنهان می‌شود، چون جوانمرد هیچ ادعایی ندارد و نمی‌خواهد هم که داشته باشد، او «افتاده» است.

همه مردمی باید آیین تو/ همه رادی و راستی دین تو (فردوسی) آیین رادی و به تبع آن جشن گلریزان، مورد توجه بسیاری از شرق‌شناسان نیز بوده است و به کرات درباره این روحمیه بدیع ایرانیان سخن گفته‌اند.

مجموع تمام جزئیات فرهنگ «رادی» در ایران که در طول زمان تکامل یافته، منجر به ابداع مراسم «گلریزان» شده است. رسمی برای دستگیری از کسانی که دستشان به جایی بند نیست. اما چرا گلریزان؟ پشت این نام چه پشتوانه‌ای وجود دارد؟

نقش مردم در کاهش آسیب‌های اجتماعی

آزادی زندانیان غیر عمد با کمک خیریه‌ها



کودکان بی سرپرست و همچنین نوجوانان در معرض آسیب‌های اجتماعی تنها بخشی از قربانیان خاموش این جرائم محسوب می‌شوند.

همواره یکی از اولویت‌های بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد و همچنین ستاد دیه، آزادی زندانیان غیرعمد زن بوده است. رئیس ستاد دیه در این زمینه می‌گوید: «مادران و دختران بدون اعمال کیفری در کمترین زمان ممکن تعیین تکلیف می‌شوند. تلاش ما این است که زنان حتی یک روز بیشتر در بند نمانند. مگر اینکه یک پرونده میلیاردی بوده یا موضع شکات بسیار باشد. همین امسال ۴۲۲ زن تا آذرماه آزاد شدند و در ایام ولادت حضرت فاطمه (س) نیز به مناسبت روز مادر، صد زن از زندان آزاد شدند.»

زندان جای خوبی نیست، هر ساعتش به اندازه یک عمر می‌گذرد، مخصوصاً اگر در میانه روال عادی زندگی ناگهان چشم باز کنی و ببینی از بد روزگار گرفتار شده‌ای. یعنی خلاق‌کار نبوده باشی. این روزها به خصوص به دلیل مشکلات اقتصادی، نوسانات بازار و رکود برخی صنایع، بسیاری از مردم یک‌شبه ممکن است زمین بخورند یا به فریب و سودای ثروت یک‌شبه، طعمه کلاهبرداران شوند. در چنین شرایطی، دامنه مشکلات اقتصادی به خانواده‌ها هم کشیده می‌شود و حتماً دلایل اختلافات مالی خانواده‌ها مثل مسئله مهریه، ریشه در مشکلات اجتماعی و اقتصادی دارد. بنابراین، تعداد زیادی از مردم، بی‌گناه و یا بر اثر اشتباه خود را

نمی‌خواستم بمیرد!

اما همه این‌ها شاید به اندازه قتل غیرعمد دردناک نباشد. در سال‌های گذشته برخی آثار سینمایی هم به این موضوع پرداختند. از نوجوانی که در ترفه‌بازی چهارشنبه‌سوری دوستش را کشته، تا راننده کامیونی که به خاطر خواب‌آلودگی تصادف کرده و یا جوانی که در یک نزاع خیابانی همسایه‌اش را کشته است. این‌ها قاتل یا لفظه نیستند و از روی عمد جانی را نگرفته‌اند. بلکه قربانی اشتباه مرگبار خود هستند؛ اشتباهی که جبران‌پذیر نیست، چون جانی که رفت، دیگر رفته است. اولین اقدام نیکوکاران وقتی کسی به اصطلاح زیر تیغ

سنت باستانی دستگیری از افتادگان



به نظر می‌رسد ایرانیان، همان‌طور که آغاز سال را با بهار جشن می‌گیرند، در بسیاری دیگر از زمینه‌های فکری -فلسفی خود تحت تأثیر مسئله رویش و زایش در بهار هستند. گلریزان هم به نوعی، بازتولید فرهنگ ارج نهادن بهار است. مانند درختان شکوفه‌ریز که در بهار گل‌های خود را سخاوتمندانه می‌پراکنند، در گلریزان هم هرکس به فراخور توان خود، چیزی در کیسه، دستمال یا لنگ می‌ریزد.

اگر برگناهی...

گفتیم لُنگ، همان پارچه قرمزی که همه می‌شناسیم. لااقل در یکی دو قرن گذشته می‌دانیم که جایگاه اصلی مراسم گلریزان زورخانه بوده است. جایی که محل تجمع رادمردان است و تکیه اصلی مردم در آن، ارجاع به باورهای مذهبی شیعه است. مرشد، بعد از ورزش لنگ را به میانه گود می‌اندازد و زنگ می‌زند. این آغاز مراسم است. بعد می‌خواند: «اگر خسته جانی بگو یا علی/ اگر ناتوانی بگو یا علی/ اگر روسیاهی بگو یا علی/

اشتغال

۱۳



atiyeno.ir

پشت میله‌ها آواز می‌خوانند

عباس را در مغازه تأسیساتی محله نمی‌توانی پیدا کنی. البته که اگر سراغش را بگیری می‌گویند برو تأسیساتی سپهری. وقتی می‌روی آقای سپهری می‌گوید: «رفته تا همین کوچه بالا سرکار، الان میاد.»

اهالی محل کارش را قبول دارند. آقای سپهری که از قدیم سیم کش بوده است، با خنده تعریف می‌کند: «این کارای جدید مثل آیفون تصویری و دوربین مداربسته و اینا دیگه برای ما پیرمردا سخته. عباس می‌ره، سه‌سوته کارو درمیاره. منم می‌شینم اینجا چایی می‌خورم.»

بعد هم می‌گوید: «پچه خوبیه.»

پیرمرد خوش‌مشربی است. عباس را پنج‌سالگی می‌شود استخدام کرده است. در واقع یکی از کاسب‌های محل که در خیابان اصلی میل‌فروشی دارد او را به آقای سپهری معرفی کرده است. بعد از اینکه در یکی از مراسم‌های گلریزان بازاری‌ها اسم عباس درآمد و بدهی‌اش صاف شده است.

اما کی به یک سابقه‌دار کار می‌دهد؟

آقای سپهری به ضمانت همان مرد خیر قبول کرده عباس بیاید و شاگردی‌اش را بکند. او می‌گوید: «باباشومی شناختم. مرد بی‌آزاری بود. کارمند بود اما بنده خدا زود مرد. بعدشم زن و بچه‌اش از این محل رفتن تا اینکه از این‌ور و اون‌ور شنیدیم عباس، پسر کوچیکه مرحوم کلاهبرداری کرده.»

عباس که می‌رسد صحبتش را قطع می‌کند. من هم خودم را معرفی می‌کنم. توضیح می‌دهم که اسم و رسمش را از خبریه به‌شمار. گفته‌اند کارهای گرافیکی آنجا را می‌کند.

عباس می‌گوید: «اینم گفتن که خودم حبس کشیده‌ام؟»

صادقانه می‌گویم که اصلاً برای همین آمده‌ام. می‌گوید: «هیچی در بساط نداشتیم. فکر کردم آگه بخوام همین طوری دست روی دست بذارم تا آخر عمر باید هشتم گرو نیم باشه. این بود که با دو تا از دوستان رفتم تو کار کیف و کفش. من که سرمایه اولیه نداشتیم، چک دادم. بعد هم که کارمون نگرفت و مثل همه اونایی که چک بی‌محلی می‌کشن، اسمم شد کلاهبردار و گرفتتم.»

عباس ادامه می‌دهد: «زندان خیلی بدی‌ها داشت، خیلی. یک ساعت زندان اندازه یک سال می‌گذره. مخصوصاً که بدونی اون بیرون دستت به جایی بند نیست اما من به چیزی تو زندان دیدم که هیچ‌وقت یادم نمی‌ره. اوایل که رفته بودم هر رو از بر تشخیص نمی‌دادم. نه از برو و بیای اونجا خبر داشتم و نه می‌دونستم مرام و مسلک زندونی‌ها چیه. تا اینکه به روز غروب نشسته بودم تو بند که دیدم صدای آواز میاد. دلم خیلی گرفته بود. یاشدم رفتم سراغ صدا. دیدم زندانی‌ها یکی رو دوره کردن و دارن براش می‌خونن. فهمیدم حکم آزادیش اومه.

بعضی‌ها گریه می‌کردن، بعضی‌ها تندتند ماچش می‌کردن. بعدم یه پارچه پهن کردن کف سالن و هرکی هرچی تو توانش بود ریخت تو کیسه. بیشتر اسکناس بود. پارچه رو نشمرده مجاله کردن و وزن زیر بغل طرف. تو بند ما هرکس می‌خواست آزاد بشه گلریزون می‌کردن که می‌ره بیرون پیش زن و بچه‌اش، دست خالی نباشه.» عباس کمی احساساتی شده است و ادامه می‌دهد: «من خودم با گلریزون بازاری‌ها اومدم بیرون. چک‌هام پاس شد. بعدم معرفیتم کردن به همین آقا سپهری برای کار. اون روز تو زندان به خودم قول دادم آگه به وقت آزاد شدم، این مرام رو با خودم بیارم بیرون. اینکه که الان خودم بانی گلریزون می‌شم. وقتی خبر می‌رسه یکی آزاد شده، آدم حسابی‌هایی رو که می‌شناسم جمع می‌کنم. یه پارچه پهن می‌کنیم و گلریزون می‌کنیم. بالاخره کسی که میاد بیرون آگه آدم درستی باشه، فرصت می‌خواد تا راهشوپیدا کنه.» درباره خبریه هم از او می‌پرسم و توضیح می‌دهد: «آره دیگه. ما رو آزاد کردن. منم ولشون نکردم. یه خورده فنی سرم می‌شه. هروقت کاری چیزی دارن زنگ می‌زنن می‌رم. باعث می‌شه یادم نره خودمم آگه این بیرونم به ده دست به دست هم دادن تا گره کارم باز شه.»



ماه مبارک رمضان و همچنین نزدیک عید نوروز، پوریای ولی و غلامرضا تختی، پهلوانانی بودند که نامشان به آیین گلریزان در زورخانه گره خورده است.

این پایان ماجرا نیست. هر رسمی وقتی پویاست که خود را با روح زمانه و نیازهای مردم آن هماهنگ کند. امروز، گلریزان مراسمی است که بیشتر برای گره‌گشایی از کار زندانیان بی‌گناه یا گناهکاران غیرعمد برگزار می‌شود. به این‌صورت که بعد از شناسایی این افراد، برای حل گرفتاریشان قرار گلریزان می‌گذارند و هرکدام از نیکوکاران به اندازه نیاز خود مبلغی کمک می‌کند. معمولاً در این مراسم، گره از کار ده‌ها زندانی باز می‌شود. بیشتر اوقات چهره‌های هنری، ورزشی یا اجتماعی بانی و پیش‌قدم برگزاری این مراسم هستند.

دستاورد مهم گلریزان اگر گره‌گشایی از نیازمندان باشد، مهم‌تر از آن ایجاد روحیه همدلی و همبستگی بین مردم است. فکر کن گوشه زندان نشسته‌ای و هیچ دریچه‌ای به رویت باز نیست، اما آن بیرون عده‌ای برای خلاص‌ات دست به دست هم داده‌اند. عده‌ای که حتی تو را نمی‌شناسند. شاید برای همین است که حسب مشاهدات میدانی بسیاری از کسانی که با حمایت مؤسسات و نهادهای خیریه از زندان بیرون می‌آیند، خودشان به پویش‌های مربوط به آیین گلریزان می‌پیوندند و در ترویج آن می‌کوشند.

رمضان، جشنواره همدلی

امروز جشن گلریزان تبدیل به یکی از مراسم‌های مهم ماه مبارک رمضان در کشور ما شده و تمرکز اصلی آن هم آزادی زندانیان غیرعمد و بدهکاران نیازمند است. نخست رهبری مبلغی را اهدا می‌کنند و سپس سران قوا و بعد از آن هم بازاریان و چهره‌های موفق و مردمی قدم پیش می‌گذارند. به این طریق هر سال هزاران زندانی بعد از ماه مبارک رمضان به خانه برمی‌گردند. در کنار این‌ها، در سال‌های اخیر برای حضور در جشن گلریزان و مشارکت در امر خیر آزادی زندانیان، راه‌هایی مثل پرداخت آنلاین گشوده شده که هرکس، با هر توان مالی از هرجای کشور می‌تواند با مراجعه به سایت‌ها و دفاتر خیریه‌های معتبر سهم خود را ادا کند.